

تأثیر آموزش تربیت سازنده فرزندان به والدین در کاهش مشکلات رفتاری کودکان

دکتر مهدی تهرانی دوست^۱، دکتر زهرا شهربور^۲، دکتر جواد محمودی قرائی^۳، دکتر جواد علاقه‌بندراد^۴

Efficacy of Positive Parenting on Improving Children's Behavior Problems and Parenting Styles

Mehdi Tehrani-Doost^a, Zahra Shahrivar^a, Javad Malmoudi Gharaie^b, Javad Alaghband-Rad^c

Abstract

Objectives: Parenting style has a significant impact on the natural development of children. Therefore, this study aims to evaluate the efficacy of Positive Parenting Program also known as Triple-P, on the improvement of parenting methods, children's behavioral problems, mothers' psychological problems and marital issues. **Method:** In an interactive semi-experimental study (pretest, post-test), 120 mothers working at Tehran University of Medical Sciences, who had at least one child, were evaluated. Data were gathered before and after the sessions, using Demographic Questionnaire, Parenting Scale, Being a Parent Scale, Parent Problem Checklist, Dyadic Adjustment Scale, Depression-Anxiety-Stress Scale, Strengths and Difficulties Questionnaire (SDQ), and Client Satisfaction Questionnaire. Constructive parenting methods were taught in 8 two-hour sessions. Data were analyzed using descriptive statistics and repeated measures analysis of variance. **Results:** The mean age of mothers participating in the study was 36.76 ± 5.27 . The results related to SDQ in children showed that a change in the mean total score of SDQ at the end of the intervention is statistically significant ($p < 0.01$). Based on the general change, the mean scores related to the measures of Parenting Scale ($p < 0.01$), Being a Parent ($p < 0.01$), Parent Problem ($p < 0.01$), and disagreement between parents ($p < 0.01$) were statistically significant. In the dyadic adjustment scale the mean score of adjustment changed from 21.15 ± 4.88 to 21.25 ± 4.58 , which was not

چکیده

هدف: از آن جا که کیفیت فرزند پروری تأثیر زیادی بر تکامل طبیعی کودک دارد، در این پژوهش تأثیر مجموعه آموزشی تربیت سازنده فرزندان که Triple-P نامیده می شود، در بهبود شیوه های فرزند پروری، مشکلات رفتاری کودکان، علایم روانی مادران و مشکلات زناشویی بررسی شده است. **روش:** در یک پژوهش مداخله ای- نیمه آزمایشی (پیش آزمون- پس آزمون) ۱۲۰ نفر از مادران شاغل دانشگاه علوم پزشکی تهران که دارای دست کم یک فرزند بودند، بررسی شدند. گردآوری داده ها به کمک پرسش نامه ویژگی های جمعیت شناختی، مقیاس فرزند پروری، مقیاس والد بودن، فهرست مشکلات والدین، مقیاس انطباق بین فردی، مقیاس असردگی- اضطراب- استرس، پرسش نامه توانایی ها و مشکلات و پرسش نامه میزان رضایت شرکت کننده، پیش از جلسات و پس از آن انجام شد. آموزش روش های تربیت سازنده در طی هشت جلسه دو ساعته ارائه شد. داده ها به کمک روش های آمار توصیفی و تحلیل واریانس با اندازه گیری های مکرر تحلیل شدند. **یافته ها:** میانگین سنی مادران شرکت کننده 36.76 ± 5.27 بود. نتایج مربوط به مقیاس توانایی ها و مشکلات (SDQ) در کودکان نشان داد که تغییر متوسط نمره کلی SDQ در پایان مداخله از نظر آماری معنی دار است ($p < 0.01$). بر پایه نتایج تغییر کلی میانگین متغیرهای مربوط به مقیاس های فرزند پروری ($p < 0.01$)، مقیاس والد بودن ($p < 0.01$)، مشکلات والدین ($p < 0.01$) و عدم توافق بین والدین ($p < 0.01$) به لحاظ آماری معنی دار بودند. در مقیاس انطباق بین فردی میانگین نمره انطباق از 21.15 ± 4.88 به 21.25 ± 4.58 رسید که از نظر

^۱ فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، پژوهشگر علوم شناختی، تهران، خیابان کارگر جنوبی، بیمارستان روزبه، دورنگار: ۰۲۱-۵۵۴۱۹۱۱۳ (نویسنده مسئول). E-mail: tehrandm@sina.tums.ac.ir ^۲ فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، استادیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ ^۳ فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، استادیار مرکز تحقیقات روانپزشکی و روانشناسی دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ ^۴ فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان، دانشیار گروه روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران.

* Corresponding author. Child and adolescent psychiatrist, Associate Prof. of Tehran University of Medical Sciences; Institute for Cognitive Science Studies, Roozbeh Hospital, South Kargar Ave., Tehran Iran, IR. Fax: +982155419113. E-mail: tehrandm@sina.tums.ac.ir; ^a Child and adolescent psychiatrist, Assistant Prof. of Tehran University of Medical Sciences; ^b Child and adolescent psychiatrist, Assistant Prof. of Psychiatry and Psychology Research Center, Tehran University of Medical Sciences; ^c Child and adolescent psychiatrist, Associated Prof. of Tehran University of Medical Sciences

statistically significant. The differences in the indicators of depression, anxiety and psychological pressure were also significant. **Conclusion:** Positive parenting education can be effective in the improvement of different aspects of parenting.

Key words: parenting, child behavior

[Received: 1 June 2007. Accepted: 20 February 2008]

آماري معنی‌دار نبود. تفاوت در شاخص‌های افسردگی، اضطراب و فشار روانی نیز معنی‌دار بود ($p < 0/01$). **نتیجه‌گیری:** مداخله‌های آموزشی تربیت سازنده می‌توانند در زمینه‌های مختلف در بهبود عملکرد والدین مؤثر باشند.

کلیدواژه: تربیت سازنده؛ فرزندپروری؛ مشکلات رفتاری کودکان؛ والدین

[دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۴/۱۱؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۱۲/۱]

مقدمه

بررسی‌ها نشان داده‌اند که کیفیت فرزندپروری تأثیر زیادی بر تکامل طبیعی کودک دارد. هم‌چنین برخی عوامل هم‌چون کشمکش‌های خانوادگی و شکست ازدواج، نداشتن رابطه گرم با والدین، دلبستگی ناامن، مقررات سخت، نظارت ناکافی، و بیماری‌های روانپزشکی در والدین، خطر شکل‌گیری مشکلات رفتاری و هیجانی در کودک را افزایش می‌دهند. هم‌چنین مشکلات سلوک، سوء‌مصرف مواد، رفتارهای ضداجتماعی و بزهکارانه در کودکان با شیوه تربیت فرزندان ارتباط دارند (ساندرز^۱، رالف^۲، تومپسون^۳، سافرونوف^۴ و گاردینر^۵، ۲۰۰۵).

والدین کودکانی که با مشکلات هیجانی دست به گریبان هستند، به نقش والدی خود مطمئن نبوده، تربیت فرزند را بسیار استرس‌زا برآورد می‌کنند و در رابطه با همسر خود دچار کشمکش می‌باشند. بنابراین تلاش برای ارتقای بهداشت روان کودکان نیازمند پرداختن به کیفیت تربیت فرزند و کیفیت رابطه مادر کودک است (ساندرز، ۲۰۰۲). برنامه فرزندپروری وبستر-استراتون^۶ که در ۱۰ جلسه به‌صورت گام به گام اجرا می‌شود و در آن روش‌های گوناگون تنبیه، تشویق، دستوردهی و مدیریت رفتار کودک در قالب روش‌های ویژه‌ای ازجمله ایفای نقش آموزش داده می‌شد، از روش‌های مداخله‌ای سودمند برای والدین کودکان طبیعی و کودکان دچار مشکلات روانپزشکی تشخیص داده شده است (پاترسون^۷، موک‌فورد^۸ و استوارت-براون^۹، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر خودبآوری و احساس کفایت والدین در مدیریت رفتارهای کودکان در برخی پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته و بهبود خودبآوری در افزایش کیفیت تعامل مادر و کودک مؤثر گزارش شده است. سطح بالای خودبآوری در مادر یک عامل حمایتی در برابر مشکلات رفتاری کودک به‌شمار می‌رود که خود افزایش اعتماد به نفس، بهبود عملکرد اجتماعی و تحصیلی و نیز کاهش افسردگی و اضطراب را در پی دارد. برعکس، خودبآوری اندک، به کارگیری روش‌های

سخت و آزاردهنده در تربیت فرزند را به‌دنبال دارد که به تداوم مشکل رفتاری کودک می‌انجامد (ساندرز و وولی^{۱۰}، ۲۰۰۵). ساندرز و وولی (۲۰۰۵) ارتباط بین سه سطح خودبآوری و اثر آن را بر عملکرد تربیت فرزند در دو دسته مادران مراجعه‌کننده به کلینیک و غیر مراجعه‌کننده بررسی نمودند و مادران گروه نخست را دارای خودبآوری کمتر و در هر دو گروه، خودبآوری را پیش‌بینی‌کننده قوی‌تر فرزندپروری گزارش نمودند.

مداخله‌های رفتاری خانواده^{۱۱} (BFI) بر پایه الگوی یادگیری اجتماعی و برخورداری از حمایت‌های تجربی ساخته شده و برای جمعیت گسترده‌ای کاربرد دارد (موراوسکا^{۱۲} و ساندرز، ۲۰۰۶). شواهد برخاسته از کارآزمایی‌های کنترل‌شده، BFI را از روش‌های ارزیابی‌شده در مداخله‌های روانی-اجتماعی نشان داده‌اند. ولی تنها جمعیت اندکی از والدین در این گونه روش‌های تربیت فرزند شرکت نموده‌اند. ساندرز و وولی (۲۰۰۵) برنامه تربیت فرزند چند وجهی و مبتنی بر شواهد را برای آموزش والدین و حمایت از آنها تدوین نمودند. این برنامه بر پایه الگوی یادگیری اجتماعی تدوین شده و عوامل خطر مرتبط با شکل‌گیری مشکلات رفتاری و هیجانی در کودکان را هدف قرار می‌دهد. هدف این برنامه که Triple-P^{۱۳} نامیده می‌شود، افزایش کفایت‌های والدین در سطح گسترده‌ای از جامعه است. این برنامه به‌دلیل وجود سطوح مختلف در نارسایی عملکردها و نیازهای گوناگون والد و کودک دارای پنج سطح می‌باشد (ترنر^{۱۴}، ددز^{۱۵} و ساندرز، ۲۰۰۲). ارزیابی تأثیر

- | | |
|-------------------------------------|---------------------|
| 1- Sanders | 2- Ralph |
| 3- Thompson | 4- Sofronoff |
| 5- Gardiner | 6- Webster-Stratton |
| 7- Patterson | 8- Mockford |
| 9- Stewart-brown | 10- Wooly |
| 11- behavioral family interventions | |
| 12- Morawska | |
| 13- positive parenting program | |
| 14- Turner | 15- Dadds |

جلسه اول مطالب مورد نظر توسط متخصصین آموزش دیده به کمک فیلم‌های آموزشی برای مادران اجرا می‌شود. در این جلسه‌ها مادران از راه تمرین، ایفای نقش، بحث گروهی، انجام تکلیف در منزل، دانش و مهارت لازم را در زمینه فرزندپروری به دست می‌آورند. مطالب مورد بحث در این جلسات عبارت بودند از: علل بدرفتاری در کودکان، شیوه‌های آموزش مهارت‌های حل مسئله، برقراری ارتباط، شیوه‌های آموزش رفتارهای مطلوب به کودکان، چگونگی کنترل رفتارهای نامطلوب کودکان در منزل و موقعیت‌های دشوار و شیوه‌های سازنده تشویق و تنبیه. در طی جلسه‌های بعد، برای هر یک از شرکت کنندگان ۱۵ تا ۲۰ دقیقه وقت در نظر گرفته می‌شد و مشکلات اجرای برنامه مورد بحث قرار می‌گرفت.

این برنامه آموزشی دارای یک کتاب برای والدین، یک فیلم آموزشی و طلق‌های شفاف برای آموزش است. در یک کارگاه آموزشی سه روزه که توسط پژوهشکده علوم شناختی برگزار گردید پزشکان فوق تخصص روانپزشکی کودک و نوجوان توسط دکتر آلن رالف از استرالیا آموزش‌های لازم را دریافت نموده و پس از گذشت سه ماه در یک کارگاه دو روزه این افراد دوباره ارزیابی و موفق به دریافت گواهینامه ویژه شدند. این مواد توسط روانپزشکان کودک و نوجوان در پژوهشکده علوم شناختی ترجمه شده و به‌طور آزمایشی در ۵۰ خانواده اجرا و تغییرات متناسب با نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در آن اعمال شده است.

گردآوری داده‌ها به کمک پرسش‌نامه‌های زیر انجام شد: پرسش‌نامه وضعیت خانوادگی: دربردارنده اطلاعاتی در زمینه خانواده و فرزندان، وضعیت تحصیلی و شغلی والدین و وضعیت سلامت بدنی و روانی والدین و فرزندان به‌طور کلی است.

مقیاس والدینی^۱: این مقیاس را آرنولد^۲ و اولیری^۳ (۱۹۹۳) ساخته‌اند. ضریب به دست آمده برای همسانی درونی^۴ برای کل آزمون ۰/۸۴، برای زیرمقیاس‌های سهل انگاری، واکنش بیش از حد و پراگویی به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۲ و ۰/۶۳ گزارش شده است. هم‌چنین ضریب پایایی این پرسش‌نامه به روش بازآزمایی برای کل مقیاس و زیرمقیاس‌های یادشده به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۸۳، ۰/۸۲ و ۰/۷۹ گزارش گردیده است (همان‌جا).

این شیوه آموزشی به صورت گروهی سبب کاهش چشم گیر مشکلات رفتاری کودکان شده است (ترنر و ساندروز، ۲۰۰۶). در کشور ما نیز ضرورت اجرای چنین برنامه‌ای احساس گردید و در این راستا در یک بررسی راهنما برای ۱۰۰ نفر از والدین این روش به کار برده شد که نشان دهنده اثربخشی آن در این افراد بود (تهرانی دوست، علاقه‌نادر، دشتی و شهریور، ۱۳۸۳). با توجه به این که شمار مادران شاغل در سال‌های اخیر افزایش یافته، زمان کمتری برای تربیت فرزندان خود در اختیار دارند و نیاز آنها به فراگیری مهارت‌های فرزندپروری بیشتر شده است، این بررسی انجام شد. در این پژوهش تأثیر مجموعه آموزشی تربیت سازنده فرزندان در کاهش مشکلات رفتاری کودکان، علایم روانی مادران و مشکلات زناشویی و بهبود شیوه‌های فرزندپروری مادران شاغل بررسی گردید.

روش

در این بررسی که از نوع مداخله‌ای- نیمه آزمایشی بود، آموزش روش‌های تربیت سازنده به مادران بر پایه برنامه آموزشی Triple-P انجام شد. شرکت کنندگان از میان کارکنان دانشگاه علوم پزشکی تهران که دست کم یک فرزند ۲ تا ۱۲ ساله داشته و به گونه‌ای در تربیت فرزند خود مشکل داشتند، انتخاب شدند. این افراد به کمک فراخوان دعوت شده و در گروه‌های ۱۴-۱۲ نفره قرار گرفتند. فراخوان در سطح واحدهای دانشگاهی و بیمارستان‌های تابعه دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام شد.

مادران داوطلب از نظر معیارهای ورود به پژوهش ارزیابی شدند. برای افرادی که معیارهای ورود را داشتند جزییات برنامه تشریح، سپس رضایت آگاهانه گرفته شد. پرسش‌نامه‌ها در اختیار ایشان قرار گرفتند و پس از تکمیل گردآوری شدند. پس از ارایه آموزش‌ها نیز در جلسه پایانی آزمودنی‌ها دوباره به پرسش‌نامه‌ها پاسخ دادند.

برنامه آموزشی Triple-P توسط ساندروز و همکاران (۲۰۰۵) در دانشگاه کونینزاند استرالیا طراحی و مجوز اجرای آن بر پایه توافق میان پژوهشکده علوم شناختی و انجمن روانپزشکی کودک و نوجوان ایران و دانشگاه یادشده گرفته شده بود. این برنامه در پنج سطح ارایه می‌شود که یک سطح آن اختصاص به آموزش گروهی والدین برای تقویت مهارت‌های فرزندپروری دارد. این برنامه آموزشی به صورت هشت جلسه هفتگی دو ساعته برگزار می‌شود که در طی چهار

یک مقیاس ۳۰ سؤالی است که پاسخ‌ها و واکنش‌های والدین را در زمینه بدر رفتاری فرزندان از یک تا هفت درجه ارزیابی می‌کند. این ارزیابی نشان خواهد داد که آیا والدین شیوه‌های تربیتی سازنده را به کار می‌گیرند یا خیر. این مقیاس دارای سه شاخص فرعی و یک نمره کلی است. برای هر شاخص نمره مجموع و نمره فاکتور در نظر گرفته می‌شود. نمره فاکتور عبارت از نمره مجموع هر شاخص تقسیم بر شمار موارد ارزیابی شده برای هر شاخص است. شاخص‌های فرعی عبارت‌اند از: سهل‌انگاری، واکنش بیش از حد و پرگویی.

مقیاس والدبودن^۱: یک پرسش‌نامه ۱۶ موردی است که احساس والدین را از والدبودن آنها ارزیابی می‌کند و این که آیا به باور خود آنها توانایی‌های لازم را برای والدبودن دارند یا خیر. این مقیاس نیز دارای دو شاخص فرعی رضایت و کفایت است. جانستون^۲ و ماش^۳ (۱۹۸۹) آلفای همسانی درونی کل مقیاس را ۰/۷۹ و برای مقیاس‌های فرعی کفایت و رضایت به ترتیب آلفای ۰/۷۶ و ۰/۷۵ گزارش نمودند.

فهرست مشکلات والدین^۴: یک فهرست ۱۶ موردی است که اختلافات والدین و توانایی‌های آنان را در زمینه فرزندپروری و همکاری با یکدیگر در زمینه مدیریت خانواده ارزیابی می‌کند. توسط ددز و پاول^۵ (۱۹۹۱) ساخته شده است. ثبات درونی آن ۰/۷۰ و ضریب پایایی آن به روش بازآزمایی ۰/۹۰ گزارش شده است (همان‌جا).

مقیاس کوتاه‌شده انطباق بین فردی^۱: این مقیاس اختلاف نظر والدین را بر سر موضوعات مهم زندگی ارزیابی می‌کند. **مقیاس افسردگی-اضطراب-استرس^۲:** این مقیاس ۴۲ موردی میزان اضطراب، افسردگی، فشار روانی والدین را ارزیابی می‌کند. افزون بر نمره کلی این مقیاس نمرات اضطراب، افسردگی و فشار روانی نیز به‌طور جداگانه ارائه می‌گردد. این مقیاس را لوویناند^۶ و لوویناند (۱۹۹۵) طراحی نموده، ضریب پایایی زیرمقیاس افسردگی، اضطراب و استرس آن به ترتیب ۰/۹۱، ۰/۸۴ و ۰/۹۰ گزارش گردیده است (همان‌جا).

پرسش‌نامه توانایی‌ها و مشکلات^۱ (SQD): این پرسش‌نامه را گودمن^{۱۱} (۱۹۹۷) طراحی نموده و میانگین آلفای کرونباخ را برای آن ۰/۷۳ گزارش نموده است. وی هم‌چنین ضریب پایایی آن را به روش بازآزمایی با فاصله چهار تا شش ماه ۰/۶۲ گزارش نموده است (همان‌جا). این پرسش‌نامه دارای ۲۵ پرسش است و مشکلات رفتاری و هیجانی فرزندان را از نظر والدین ارزیابی می‌کند. نمره‌گذاری آن از صفر تا دو می‌باشد که برای گزینه‌های «درست نیست»، «تا حدی درست

است» و «کاملاً درست است» در نظر گرفته شد. نمره کل می‌تواند بین صفر تا ۴۰ نوسان داشته باشد. این پرسش‌نامه دارای پنج شاخص (شاخص‌های پر فعالیتی، مشکلات هیجانی، مشکلات سلوک و مشکل در ارتباط با هم‌ها و رفتارهای پسندیده^{۱۱}) است. پرسش‌نامه یادشده در جامعه ایرانی اعتباریابی شده است (تهرانی‌دوست، شهریور، پاکباز، احمدی و رضایی، ۱۳۸۵).

پرسش‌نامه میزان رضایت شرکت‌کننده: این پرسش‌نامه در پایان دوره تکمیل شده و میزان رضایت شرکت‌کنندگان را از برنامه آموزشی ارزیابی می‌کند.

ابزارهای یادشده توسط انجمن روانپزشکی کودک و نوجوان ترجمه شد، پرسش‌های آن با معیارهای فرهنگی جامعه ایرانی سازگار گردید و سپس در یک بررسی راهنما به کار گرفته شد.

داده‌های گردآوری‌شده در مرحله‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون به کمک روش‌های آمار توصیفی و تحلیل واریانس با اندازه‌گیری‌های مکرر تحلیل شدند.

یافته‌ها

۱۲۰ نفر از مادران با میانگین سنی $36/76 \pm 5/27$ سال وارد بررسی شدند. ۱۶ نفر به دلایل مختلف از بررسی کنار گذاشته شده و ۱۰۴ نفر جلسات را به پایان رساندند. میانگین سنی فرزندان ایشان $81/5 \pm 39/63$ ماه، ۵۴ نفر (۴۵٪) پسر و ۶۶ نفر (۵۵٪) دختر بودند. ۳۰ نفر (۲۵٪) از پدران مورد بررسی تحصیلات در حد دیپلم، ۵۴ نفر (۴۵٪) فوق دیپلم، ۳۲ نفر (۲۶٪) لیسانس و یک نفر (۸٪) دکترا داشتند (دو نفر میزان تحصیلات خود را گزارش نکرده بودند). از مادران نیز به ترتیب ۱۰ (۸/۳٪)، ۸۴ (۷۲/۵٪) و ۲۱ نفر (۱۷/۵٪) تحصیلات دیپلم، فوق دیپلم و لیسانس داشته و یک نفر میزان تحصیلات خود را مشخص نکرده بود.

تغییرات رفتاری فرزندان شرکت‌کنندگان بر پایه پرسش‌نامه توانایی‌ها و مشکلات ارزیابی شد. برای ۶۴ نفر (۳۴ پسر و ۳۰ دختر) پرسش‌نامه SDQ تکمیل شد. متوسط نمره

- | | |
|---|------------------------------|
| 1- Being a Parent Scale | 2- Johnston |
| 3- Mash | 4- Parent Problem Check list |
| 5- Powel | |
| 6- Abbreviated Dyadic Adjustment Scale | |
| 7- Depression Anxiety Stress Scale | |
| 8- Lovibond | |
| 9- Strengths and Difficulties Questionnaire | |
| 10- Goodman | 11- prosocial |

کل از $12/03 \pm 5/42$ به $10/37 \pm 5/96$ در پایان مداخله کاهش یافت. تحلیل واریانس، تغییر نمره‌های پدیدآمده در مرحله پس‌آزمون را نسبت به پیش‌آزمون معنی‌دار نشان داد ($F=4/11, p<0/05$).

نتایج مقایسه آماری شاخص‌های پرفعالیتی، مشکلات هیجانی، مشکلات سلوک، مشکل ارتباطی با هم‌تایان و رفتارهای مطلوب در **جدول ۱** نشان داده شده است. تغییر توانایی والدین در به‌کارگیری شیوه‌های تربیت فرزند از طریق مقیاس فرزندپروری ارزیابی شد. یافته‌ها نشان دادند که میانگین مقیاس فرزندپروری از $102/98 \pm 18/74$ به $81/81 \pm 21/13$ در طول مداخله رسید که به لحاظ آماری معنی‌دار است ($F=91/52, p=0/001$). نتایج مقایسه شاخص‌های فرعی نیز در **جدول ۲** نشان داده شده است.

نتایج مربوط به مقیاس والدبودن نشان داد که بهبود کلی در شاخص این مقیاس پس از مداخله‌ها چشم‌گیر است. میانگین زمینه‌های عدم توافق بین والدین از $1/95 \pm 1/65$ به $1/21 \pm 1/40$ کاهش یافت ($F=19/59, p<0/001$). در مقیاس انطباق بین فردی میانگین نمره انطباق از $21/15 \pm 4/88$ به $21/25 \pm 4/58$ رسید که از نظر آماری معنی‌دار نبود.

میانگین مجموع نمرات شاخص‌های افسردگی، اضطراب و استرس از $23/75 \pm 17/58$ به $15/66 \pm 13/15$ کاهش یافت و تغییرات از نظر آماری معنی‌دار بود ($F=25/79, p<0/001$). **جدول ۴** میانگین نمره‌های شاخص‌های یادشده را نشان می‌دهد.

نتایج مقایسه آماری شاخص‌های پرفعالیتی، مشکلات هیجانی، مشکلات سلوک، مشکل ارتباطی با هم‌تایان و رفتارهای مطلوب در **جدول ۱** نشان داده شده است.

تغییر توانایی والدین در به‌کارگیری شیوه‌های تربیت فرزند از طریق مقیاس فرزندپروری ارزیابی شد. یافته‌ها نشان دادند که میانگین مقیاس فرزندپروری از $102/98 \pm 18/74$ به $81/81 \pm 21/13$ در طول مداخله رسید که به لحاظ آماری معنی‌دار است ($F=91/52, p=0/001$). نتایج مقایسه شاخص‌های فرعی نیز در **جدول ۲** نشان داده شده است.

نتایج مربوط به مقیاس والدبودن نشان داد که بهبود کلی در شاخص این مقیاس پس از مداخله‌ها چشم‌گیر است.

جدول ۱- تغییرات میانگین شاخص‌های فرعی پرسش‌نامه توانایی‌ها و مشکلات در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

شاخص‌های فرعی مقیاس SDQ	میانگین (انحراف معیار)	نمره T	سطح معنی‌داری	پیش‌آزمون	
				پس‌آزمون	پیش‌آزمون
برفعالیتی	پسر			(۲/۵۷) ۳/۹۱	(۹/۶۵) ۶/۵۷
	دختر	۲/۹۴	۰/۰۹۱	(۲/۸۰) ۴	(۲/۸۴) ۴/۳۵
	مجموع			(۲/۶۶) ۳/۹۵	(۷/۳۳) ۵/۵۳
مشکلات هیجانی	پسر			(۱/۵۲) ۱/۵۴	(۲/۳۰) ۲/۱۴
	دختر	۳/۴۰	۰/۰۷	(۲/۲۶) ۲/۲۹	(۱/۹۲) ۲/۵۸
	مجموع			(۱/۹۳) ۱/۸۹	(۲/۱۳) ۲/۳۴
مشکلات سلوک	پسر			(۱/۰۸) ۲/۲۲	(۱/۴۶) ۲/۵۷
	دختر	۳/۱۱	۰/۰۸۲	(۲/۲۶) ۲/۵۸	(۱/۸۶) ۲/۸۳
	مجموع			(۱/۷۳) ۲/۳۹	(۱/۶۵) ۲/۶۹
مشکل در ارتباط با هم‌تاها	پسر			(۱/۵۴) ۱/۷۱	(۱/۸۳) ۲/۵۴
	دختر	۰/۶۰۱	۰/۴۴	(۱/۸۷) ۲/۷۷	(۱/۳۹) ۲/۳۲
	مجموع			(۱/۷۷) ۲/۲۱	(۱/۶۳) ۲/۴۳
رفتارهای مطلوب	پسر			(۲/۰۸) ۶/۸۵	(۱/۸۸) ۶/۴۵
	دختر	۰/۱۳۰	۰/۷۲۰	(۱/۷۶) ۶/۸۷	(۱/۶۶) ۷/۴۱
	مجموع			(۱/۹۲) ۶/۸۶	(۱/۸۳) ۶/۹۰
جمع کل	پسر			(۴/۲۹) ۹/۲۳	(۵/۲۲) ۱۱/۹۷
	دختر	۷/۸۰	۰/۰۰۷	(۷/۲۸) ۱۱/۶۶	(۵/۷۳) ۱۲/۱۰
	مجموع			(۵/۹۶) ۱۰/۳۷	(۵/۴۲) ۱۲/۰۳

جدول ۲- تغییرات میانگین شاخص‌های فرعی مقیاس فرزندپروری در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

شاخص‌های فرعی	میانگین (انحراف معیار)		نمره F	سطح معنی‌داری
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون		
سهل‌انگاری	۳۵/۶۵ (۸/۲۱)	۲۹/۲۶ (۷/۶۰)	۵۲/۴۵	۰/۰۰۱
	۳/۲۴ (۰/۷۳)	۲/۶۹ (۰/۷۸)	۳۴/۷۷	۰/۰۰۱
	۳۰/۶۳ (۱۰/۰۶)	۲۲/۶۰ (۷/۲۳)	۵۸/۸۹	۰/۰۰۱
واکنش زیاد	۳/۰۶ (۱/۰۰)	۲/۲۵ (۰/۷۳)	۵۹/۷۱	۰/۰۰۱
	۲۸/۵۹ (۶/۰۹)	۲۲/۵۹ (۶/۴۰)	۶۲/۸۰	۰/۰۰۱
	۴/۰۹ (۰/۰۹۳)	۳/۳۴ (۰/۱۶)	۲۲/۳۷	۰/۰۰۱
پرخوابی	۱۴/۴۳ (۳/۴۷)	۱۴/۶۳ (۸/۹۸)	۰/۰۴۹	N.S.*
	۱۰۲/۹۸ (۱۸/۷۴)	۸۱/۸۱ (۲۱/۱۳)	۹۱/۵۲	۰/۰۰۱
	۳/۴۰ (۰/۶۶)	۳/۰۷ (۲/۹۵)	۱/۱۳	N.S.

* non-significant

مشکلات پرفعالیتی، هیجانی، سلوک و ارتباط با هم‌تایان به لحاظ آماری معنی‌دار نبود. در بررسی‌های کنترل‌شده (آرنولد، اولیری، ولف^۱ و آکر^۲، ۱۹۹۳؛ دادز و پاول، ۱۹۹۱؛ لویباند و لویباند، ۱۹۹۵؛ تهرانی‌دوست و همکاران، ۱۳۸۳) شواهد زیادی به نفع اثربخشی مداخله‌های رفتاری خانواده بر پایه اصول یادگیری اجتماعی برای جلوگیری و درمان طیف گسترده‌ای از مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان وجود دارد. بررسی‌های انجام‌شده در بیست سال اخیر نشان داده‌اند که مداخله‌های رفتاری خانواده در کاهش رفتارهای سلوک و سایر مشکلات رفتاری کودکان مؤثر می‌باشند. در بررسی حاضر نیز نشان داده شد که به‌طور کلی این‌گونه مداخله‌ها می‌توانند میزان مشکلات رفتاری و هیجانی کودکان را کاهش دهند (بر پایه تغییر نمره کل مقیاس توانایی‌ها و مشکلات). در زمینه تأثیر جنبه‌های گوناگون برنامه triple-p بررسی‌های زیادی انجام شده است. این برنامه را ساندروز (۲۰۰۳) در سطح جامعه و در بررسی دیگری مک‌تاگارت^۳ و ساندروز (۲۰۰۳) در مدرسه به کار بردند. در بررسی دیگری ساندروز و همکاران (۲۰۰۵) برنامه مداخله‌های هشت جلسه‌ای را با والدین نوجوانان به کار گرفتند که باعث افزایش مهارت‌های تربیت سازنده، کاهش تعارض بین والد و نوجوان، افزایش خودباوری والد و کاهش افسردگی، اضطراب و استرس والدین شده بود. این روش توانایی انطباق با معیارهای فرهنگی کشورهای مختلف را دارد (کریسانته^۴ و نگ^۵، ۲۰۰۳). این برنامه برای والدین کودکان در سنین خاص به کار برده شده

جدول ۳- تغییرات میانگین شاخص‌های فرعی مقیاس والدین‌بودن در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

شاخص‌های فرعی	میانگین (انحراف معیار)		نمره F
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	
رضایت	۳۷/۷۴ (۷/۴۳)	۴۱/۴۸ (۵/۸۴)	۳۱/۲۱*
کفایت	۲۸/۹۶ (۵/۳۴)	۳۲/۳۸ (۵/۱۷)	۴۴/۰۷*
جمع کل	۶۶/۹۷ (۱۱/۴۷)	۷۳/۸۶ (۸/۴۲)	۴۶/۱۲*

* p<۰/۰۰۱

جدول ۴- تغییرات میانگین شاخص‌های افسردگی، اضطراب و استرس والدین به تفکیک

شاخص‌ها	میانگین (انحراف معیار)		نمره F
	پیش‌آزمون	پس‌آزمون	
افسردگی	۷/۱۱ (۷/۰۹)	۴/۵۵ (۵/۶۶)	۲۵/۴۴*
اضطراب	۵/۴۵ (۵/۵۶)	۳/۳۷ (۴/۵۲)	۲۰/۸۳*
استرس	۱۲/۴۱ (۷/۳۰)	۸/۴۱ (۵/۲۶)	۳۵/۰*
جمع کل	۲۳/۷۵ (۱۷/۵۸)	۱۵/۶۶ (۱۳/۱۵)	۲۵/۷۹*

* p<۰/۰۰۱

بحث

این بررسی به لحاظ به کارگیری روش‌های تربیت سازنده در جمعیت ایرانی در زمینه بهبود مشکلات و توانایی‌های کودکان، قابلیت والدین در تربیت فرزند، توافق والدین، مشکلات والدین و میزان افسردگی، اضطراب و استرس دارای اهمیت است. یافته‌های این بررسی را می‌توان برای بهبود روش‌های فرزندپروری به کار گرفت. این مداخله‌ها می‌توانند باعث بهبود افسردگی، اضطراب و استرس والدین و کاهش مشکلات رفتاری کودکان شوند. اما در بررسی حاضر کاهش

۱- Wolff
۳- Mc Taggart
۵- Ng

۲- Acker
۴- Crisante

(راجرز، کان و کامرون^۱، ۲۰۰۳). بررسی‌های یادشده اگرچه به شکل‌های مختلف و در جمعیت‌های گوناگون انجام شده‌اند، ولی نتایج تقریباً یکسانی داشته‌اند که با یافته‌های بررسی حاضر در جمعیت ایرانی هم‌سویی دارد. این در حالی است که جلسات در بررسی حاضر به صورت حضوری انجام شده بود و از این نظر با بررسی‌هایی که برنامه گروهی سطح چهار را به صورت تلفنی به کار برده بودند متفاوت است.

به طور کلی یافته‌های بررسی حاضر گویای آن هستند که به کارگیری روش‌های تربیت سازنده در والدین باعث بهبود مهارت‌های فرزندپروری، رضایت و کفایت والدین در تربیت فرزند، کاهش اختلاف نظرهای والدین، کاهش مشکلات مربوط به تربیت فرزند و کاهش افسردگی، اضطراب و فشار روانی والدین می‌شوند. هم‌چنین این روش‌ها در کاهش مشکلات رفتاری و افزایش توانایی‌های فرزندان مؤثرند.

انتخاب آزمودنی‌ها از میان کارکنان شاغل در بیمارستان‌ها که ممکن است نسبت به کارکنان سایر سازمان‌ها دارای مشکلات متفاوت در رابطه با فرزندپروری باشند، از محدودیت‌های این پژوهش به شمار می‌رود. بنابراین تعمیم نتایج به کل جمعیت شاغل باید با احتیاط انجام شود. ضمن این که لازم است بررسی‌هایی نیز برای جمعیت عمومی انجام شود تا بتوان اثربخشی این مداخله‌ها را در جمعیت ایرانی ارزیابی نمود. محدودیت دیگر این بررسی نبود گروه کنترل برای مقایسه تغییرات بین دو گروه است. در برخی شاخص‌ها مانند شاخص‌های رفتار کودک، تغییرات اگرچه چشم‌گیر است ولی به لحاظ آماری معنی‌دار نبوده است که می‌تواند به دلیل حجم نمونه پایین باشد. از این رو انجام بررسی‌هایی با حجم نمونه بیشتر و با گروه کنترل پیشنهاد می‌شود.

سپاسگزاری

بررسی حاضر با حمایت مالی معاونت‌های پژوهشی و سلامت دانشگاه علوم پزشکی تهران، دفتر یونسکو در تهران (مستقر در مرکز تحقیقات آسم و آلرژی دانشگاه علوم پزشکی تهران)، بهره‌گیری از ابزارها و مواد آموزشی پژوهشکده علوم شناختی و با حمایت علمی انجمن علمی

است. کریسانته (۲۰۰۳) کارکنان مهدکودک‌ها یا مراکز نگهداری درازمدت کودکان را آموزش داد و این افراد ۳۹ نفر از والدین کودکان را در سنین پیش‌دستانی (میانگین سن سه سال) را بر پایه سطح سه برنامه triple-p تحت مشاوره قرار دادند. بر پایه یافته‌های این بررسی تجربه والدین برای والدین خوشایندتر بود، احساس اطمینان بیشتری داشته و با همسر خود بر سر مقررات توافق بیشتری داشتند (کریسانته و ننگ، ۲۰۰۳). دیم^۱، مایورز^۲ و ایوانز^۳ (۲۰۰۳) ۷۴ نفر از پرستاران، مددکاران، آموزگاران و کارمندان بهداشتی را برای برنامه سطح چهار آموزش دادند. این افراد می‌بایست برنامه گروهی triple-p را هر نفر دست‌کم در دو گروه از والدین انجام دهند. ۵۶۰ نفر از والدینی که کودکان دو تا ۱۰ سال داشتند، وارد بررسی شدند و تقریباً نیمی از این افراد گزارش نموده بودند که دست‌کم یک فرزند با مشکلات رفتاری دارند. بررسی یادشده کاهش مشکلات رفتاری کودکان، بهبود مقیاس والدین، کاهش در نمره‌های مقیاس مشکلات والد و بهبود افسردگی، اضطراب و استرس را گزارش نمودند. یافته‌های بررسی یادشده به یافته‌های بررسی حاضر نزدیک است. کان^۴، راجرز^۵ و ماتیوز^۶ (۲۰۰۳) نشان دادند که برنامه گروهی triple-p باعث بهبود رفتار کودکان، بهبود روش‌های تربیت فرزندان، بهبود احساس کفایت، کاهش افسردگی، اضطراب و استرس و کاهش اختلاف نظر والدین می‌شود. رالف و ساندرز (۲۰۰۳) این مداخله را برای ۲۷ نفر از والدین نوجوانان به مدت هشت هفته انجام دادند و کاهش کشمکش با نوجوان، بهبود در شاخص‌های مقیاس فرزندپروری، کاهش عدم توافق بین والدین، بهبود احساس کفایت، قابلیت و مدیریت در والدین و کاهش افسردگی، اضطراب و فشار روانی را گزارش نمودند. کان، راجرز و ورلی^۷ (۲۰۰۳) آرایه این خدمات را به صورت تلفنی در ۷۳ خانواده بررسی نمودند و نشان دادند که مشاوره‌ها اثر مثبت بر عملکرد کلی خانواده و فرزندان داشته و باعث بهبود رفتارهای فرزندان، روش‌های فرزندپروری، کفایت و قابلیت والدین، کاهش افسردگی، اضطراب و فشار روانی و بهبود انطباق والدین شده است. در بررسی دیگری تأثیر این مداخله‌ها در مورد والدین ۸۳ نفر از کودکان ADHD ارزیابی گردید و بهبود رفتاری کودکان، بهبود احساس کفایت و قابلیت در والدین، کاهش روش‌های منفی فرزندپروری، تعارضات بین والدین، کاهش افسردگی، اضطراب و فشار روانی و نیز رضایت بالا از برنامه گزارش شد.

1- Deam
3- Evans
5- Rogers
7- Worely

2- Myors
4- Cann
6- Matthews
8- Cameron

- the preschool context. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Dadds, M. R., & Powell, M. B. (1991). The relationship of interparental conflict and global marital adjustment to aggression, anxiety and immaturity non clinic children. *Journal of Child Psychology*, 19, 553-567.
- Deam, C., Myers, K., & Evans, E. (2003). Community-wide implementation of a parenting program: the South East Sydney Positive Parenting Project. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Goodman, R. (1997). The strengths and difficulties Questionnaire: A research note. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 33, 531-536.
- Johnston, C., & Mash, E. J. (1989). A measure of parenting satisfaction and efficacy. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 18, 167-175.
- Lovibond, S. H., & Lovibond, P. F. (1995). *Manual of the Depression, Anxiety and Stress Scales* (2nd. ed.). Sydney: Psychology Foundation Australia.
- Mc Taggart, P., & Sanders, M. R. (2003). The transition to school project: Results from the classroom. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Morawska, A., & Sanders, M. R. (2006). Self-administered behavioral family intervention for parents of toddlers: Effectiveness and dissemination. *Behavior Research and Therapy*, 44, 1839-1848.
- Patterson, J., Mockford, C., & Stewart-brown, S. (2005). Parent's perceptions of the value of the Webster-stratton parenting programme: a qualitative study of a general practice based initiative. *Child, Care, Health & Development*, 31, 53-64.
- Ralph, A., & Sanders, M. R. (2003). Preliminary evaluation of the Group Teen Triple p program for parents of teenagers making the transition to high school. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Rogers, H., Cann, W., Cameron, D., & Littlefield, L. (2003). Evaluation of the Family Intervention System for children presenting with characteristics associated with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Sanders, M. R., Ralph, A., Thompson, R., Sofronoff, K., & Gardiner, P. (2005). *Every family: A public health*
- روانپزشکی کودک و نوجوان ایران انجام شده است. بدین وسیله مراتب قدردانی خود را از همکاران مالی و علمی یاد شده اعلام می دارد. از همکاری و زحمات خانم ها دکتر الهام شیرازی، دکتر فریبا عربگل و دکتر میترا حکیم شوشتری در برگزاری کلاس های آموزشی تشکر می شود. در انجام پژوهش حاضر مسئولین محترم دفتر پرستاری بیمارستان های امام خمینی (ره)، سینا، امیر اعلم و روزبه همکاری فراوانی داشتند که از زحمات آنها تشکر می شود. با سپاس ویژه از خانم زهرا امینی پور که با زحمات فراوان ایشان این بررسی انجام شد. از کوشش آقای دکتر مجتبی صداقت در زمینه جلب حمایت مالی دانشگاه علوم پزشکی تهران و دفتر یونسکو قدردانی می شود.
- ### منابع
- تهرانی دوست، مهدی؛ شهریور، زهرا؛ پاکباز، بهاره؛ احمدی، فاطمه؛ رضایی، آزنا (۱۳۸۵). روایی نسخه فارسی پرسش نامه توانایی ها و مشکلات (SDQ) در کودکان ایرانی. *فصلنامه تازه های علوم شناختی*، سال هشتم، شماره ۴، ۳۲-۳۹.
- تهرانی دوست، مهدی، علاقتدراد، حماد، دشتی، بهروش، شهریور، زهرا (۱۳۸۳). *ارزیابی اثربخشی برنامه تربیت سازنده در کاهش مشکلات رفتاری کودکان*. مقاله ارائه شده در دومین کنگره بین المللی روانپزشکی کودکان و نوجوانان.
- Arnold, D. S., O'Leary, S. G., Wolff, L., S., & Acker, M. M. (1993). The Parenting Scale: A measure of dysfunctional parenting in discipline situations. *Psychological Assessment*, 5, 137-144.
- Canu, W., Rogers, H., & Matthews, J. (2003). Family intervention service program evaluation: A brief report on initial outcomes for families. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Cann, W., Rogers, H., & Worely, G. (2003). Report on a program evaluation of a telephone assisted parenting support service for families living isolated rural areas. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Crisante, L., & Ng, S. (2003). Implementation and process issues in using Group Triple P with Chinese parents: Preliminary findings. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Crisante, L. (2003). Training in parent consultation skills for primary care practitioners in early intervention in

- approach to promoting children's wellbeing, Brief report.* Brinsbane, Australia: University of Queensland
- Sanders, M. R. (2002). Parenting interventions and the prevention of serious mental health problems in children. *MJA*, 177, 7, 87-92.
- Sanders, M. R. (2003). The translation of an evidenced-based parenting program into regular clinical services. *Australian e-Journal of the Advancement of Mental Health*, 2, 3.
- Sanders, M. R., & Wooly, M. L. (2005). The relationship between maternal self-efficacy and parenting practices: implications for parent training. *Child, Care, Health & Development*, 31, 65-73.
- Turner, K. M. T., Dadds, C. M., & Sanders, M. R. (2002). *Facilitator's manual for group*. Milton Australia: Triple P International.
- Turner, K. M. T., & Sanders, M. R. (2006). Help when it's needed first: A controlled evaluation of brief, preventive behavioral family intervention in a primary care setting. *Behavior Therapy*, 37, 131-142.